

عالم جان خواجه مراداف

(استاد دانشگاه تاجیکستان)

دکتر رحیم مسلمانیان قبادیانی

سال هاست که آثار ادیبان و پژوهشگران تاجیک در ایران هم چاپ و نشر می شود اکنون پژوهشگران تاجیک هم با نقد و بررسی آثار ادیبان ایرانی مشغول هستند که یکی از نمونه هایش همین کار استاد دانشگاه تاجیکستان، عالم جان خواجه مراداف است.

دکتر خواجه مراداف که در ایران حضور داشت، با زبان و ادب و فرهنگ ایرانی از درون آشنایی پیدا کرد، از آثار دانشمندانی متأثر شد، چون به زادگاهش برگشت، پژوهش ارزشمندی انجام داد: کتابی به چاپ رساند که عنوانش در بالا آمد. این مجموعه خواجه مراداف از پیشگفتار، چهارباب و پسگفتار فراهم آمده نویسنده نخست؛ داستانهای کوتاه صادق هدایت را از نگاه نوع (Zanr) و ساختار مورد بررسی قرار داده، سپس داستانهای سه قطره خون، "عروسک پشت پرده"، "مردی که نفسش را گشت"، "داوود کورپشت"، "تجلی"، "زنی که مردش را گم کرد"، "سگ ولگرد"، "فردا" را ملاحظه می فرماید و به نتیجه ای می رسد که آثار "روانی صادق هدایت شکل کامل نویلا (Novella) روانی فارسی، و بهترین نمونه این ژانر حساب می شوند"

در تشکل این نوع نثر ادبی بزرگ علوی نیز جایگاه داشته که نویسنده کتاب این موضوع را مفصل بررسی کرده است. خواجه مراداف به نتیجه ای می رسد که صادق هدایت و بزرگ علوی از بنیانگذاران نثر روان فارسی بشمار می آیند. مؤلف از پرویز ناتل خانلری نقل و قول می کند که "علوی را پس از هدایت باید از نمایندگان زبردست مکتب جدید دانست"^۳ باب چهارم این کتاب که گریز از واقعیت

در نثر ذهن گرا" عنوان دارد. چنین آغاز می یابد: بعد از شکست حرکت های دموکراسی سال ۱۹۵۳م/۱۳۳۲ که در کشور دوباره نظام دیکتاتوری محمدرضا پهلوی استقرار می یابد، ادبیات و فرهنگ ایران وارد دوره رکورد می شود. با پرانگده ساختن سازمانهای اجتماعی و فرهنگی، جامعه ایران به صورت انبوه مردم تنها و ترسان تبدیل می یابد. فضای بی اعتمادی و بدگمانی در روابط اجتماعی حاکم گشته، ترس و یاس و ناامیدی بر تلخی زندگی جامعه می افزاید^۱

بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، جمال میر صادقی، علی محمد افغانی، فریدون تنکابونی، نادر ابراهیمی، محمود کیانوش در شمار نسل سوم داستان نویسان می آیند. بویژه بهرام صادقی که در سن بیست سالگی به داستان کوتاه (Novella) دست زده و موفق بوده، ولی در کوتاه مدت از این کارش دست کشیده است. مقالاتش در مجله های "سخن" و "صدف" به چاپ رسیده اند. نادر ابراهیمی با درد و دریغ می گوید: "آقول بی هنگام صادقی بدترین ضربه به پیکره قصه نویسی امروز ایران بود، و آنهایی که او را بی به راهه کشانند، بر این نکته وقوفی مسلم داشتند"^۲

با اینکه آثار کمی از صادق به میراث مانده است ("سنگر و قمقمه های خالی" "ملکوت") در ردیف نویسندگان معروف ایران جای گرفته است.

از نیمه دوم سالهای شصتم در نثر فارسی از نگاه درونمایه و شکل مرحله ای تازه شروع می شود. در این سالها اثرهای ذهنی به میان می آیند که از جهت ساختار و سبک نگارش و کاربرد زبان

از اثرهای قبلی تفاوت داشتند"^۴ هوشنگ گلشیری اصفهان، نویسنده "شازده احتجاب" شیوه تازه ای را در داستان نویسی فارسی وارد نمود و به حیث سخنوری نوآور شهرت یافت. "نمازخانه کوچک من"، "بره گم شده رای"، "معصوم پنجم"، "تجه خانه"، "حدیث ماهی گیر و دیو" از دیگر نوشته های گلشیری می باشند.

دکتر خواجه مراداف به نتیجه ای رسیده که نوآوری نثر نویسان سالهای پنجاه و شصت به دنبال تاثیر پذیری از "بوف کور" بوده است.

و حسن خاتمه کتاب: نویسندگان ایرانی، قبل از همه صادق هدایت، با کاربرد ماهرانه از شعرشناسی این جریان ادبی، در زمینه موضوع و محیط ایرانی، و با استفاده فراوان از سنتهای جهان شمول فارسی یک سلسله اثرهای جالب را به میدان آورده اند که نثر معاصر فارسی را غناوتی و طراوتی بیشتر بخشیده، جریان نیرومند ادبی را به میدان آورده است. این جریان ادبی در ادبیات فارسی شاهکاری را چون "بوف کور" تقدیم کرده است که از نگاه ارزش بدیعی و عمیق مطلب در ردیف بهترین آثار نویسندگانی همانند کافکا، حیسی، جابیس، کامیو و امثال آنان قرار می گیرد.^۵

پی نوشتها:

۱- (ص ۱۷)

۲- (ص ۱۸)

۳- (ص ۴۹)

۴- (ص ۱۴۴)

۵- (ص ۱۶۷)

۶- (ص ۱۹۳)

۷- (ص ۲۱۳)